

## واکاوی حکم احرام زنان معذور با نذر پیش از میقات

\* محبوبه پدیدار\*

\* مائده السادات تدین\*

### چکیده

یکی از اعمال حج احرام قبل از میقات است و از آنجا که توقف حیض و نفسا به مسجد شجره (میقات اهل مدینه) ممنوع است و ورود به نحو عبور از یک درب و خروج از درب دیگر مسجد به جهت شلوغی جمعیت، عادتاً امکان پذیر نیست ضروری است با بررسی فتوای فقها و ادله مستند ایشان تکلیف زن مشخص گردد که از کجا و به چه نحو باید محرم گردد؛ آیا واجب است قبل از میقات با نذر، محرم گردد و از میقات بگذرد و برای صحت نذرش اذن شوهر لازم است یا نه؟ پاسخ به این پرسش، موجب تسهیل امر احرام به عنوان اولین عمل مناسک حج بر زنان معذور (حائض و نفسا) است.

در این نوشتار با بررسی فتوای فقها و ادله مورد استناد ایشان، تنها جواز نذر قبل از میقات با رعایت شروط نذر به فتوای مشهور فقها برای زنان معذور به دست آمده و وجوب نذر احرام قبل از میقات اثبات نمی شود؛ هر چند برخی نیز به عدم جواز احرام قبل از میقات فتوا داده اند. کلیدواژه‌ها: حج، نذر، زن، احرام، میقات، اذن.

\*. سطح ۴ حوزه علمیه، مدرسه علمیه معصومیه خواهران قم / meshkat62@chmail.ir

\*. سطح ۳، کارشناس مرکز ملی پاسخگویی / m.t.sadooghi@gmail.com

در اصطلاح شرعی «حج» اسمی است برای مجموع اعمال معینی که در زمان خاصی انجام می‌شود و یا قصد خانه خدا نمودن برای انجام اعمال معین در زمان خاص، که به اجماع فریقین (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۵۳۳؛ وزارة اوقاف و شئون الاسلامیه، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۲۳) در طول عمر بر هر مکلفی با دارا بودن شرایطی مانند عقل، بلوغ، استطاعت و... یک بار واجب می‌شود و به آن «حجۃ الاسلام می‌گویند؛ اما بدون فراهم شدن اسباب و جوب آن مانند استطاعت، انجام آن مستحب است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، صص ۲۲۰-۲۱۹ و ۲۲۹)

مهم ترین دلیل بر وجوب حج قول خداوند است که فرموده:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾. (آل عمران: ۹۷)

و نیز روایاتی مانند آنچه ابی حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل کرده، که ایشان فرمودند:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ دَعَائِمَ إِمَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَحِجِّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَالْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلِ الْبَيْتِ». (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، صص ۲۶-۲۵)

اسلام بر پنج چیز اقامه شده، انجام نماز، پرداخت زکات، روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و ولایت اهل بیت علیهم السلام.

فرضه حج بر سه قسم است: تمتع، قیران و افراد. تمتع وظیفه کسانی است که اهل مکه و از حاضران در مسجد الحرام نباشند. قیران و افراد نیز بر عهده اهالی مکه و کسانی است که فاصله محل سکونت آنان تا مکه دوازده یا شانزده فرسخ باشد؛ اما اعمال آنها یکسان بوده و سیزده مورد شمرده شده که احرام بستن در مکه، وقوف به عرفات، وقوف به مشعر، انجام رمی جمره و... از آن جمله است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۲؛ سنزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۳۰۷)

عمره نیز اسمی برای اعمال مخصوصی است که در میقات و مکه انجام می‌شود و به دو نوع واجب (تمتع) و مستحب (مفرده) تقسیم شده است. عمره تمتع از اعمال حج تمتع است و بر آن مقدم است و با وجود شرایط، که همان شرایط حج است یک بار واجب می‌شود.

این مطلب به آیه ۱۹۶ از سوره بقره مستند است که می‌فرماید:

﴿وَأَتُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾؛ «حج و عمره را برای خداوند به‌جا آورید»

و نیز صحیح‌ه فضیل که در آن امام صادق علیه السلام پس از بیان آیه مذکور فرمودند: «و هما مفروضان» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۲۹۵)؛ «و این دو واجب هستند.»

اما عمره مفرده (مستحبی) در همه ایام سال به جز وقت حج، صحیح است و برای کسی که می‌خواهد وارد مکه شود واجب می‌شود که آن را انجام دهد؛ مگر کسانی که اقتضای شغل آنان این است که زیاد وارد مکه شده و خارج شوند. البته افضل عمره مفرده این است که در ماه رجب انجام گردد و هر دو (عمره واجب و مستحب) در بیشتر اعمال که شامل نیت، احرام، طواف و نماز آن، سعی، تقصیر، طواف نسا و نماز آن است مشترک هستند؛ جز آنکه عمره تمتع، طواف نسا ندارد و باید تقصیر (گرفتن مو یا ناخن) را انجام دهد. این در حالی است که در عمره مفرده فرد مخیر بین حلق (تراشیدن سر) و تقصیر است و طواف نسا و نمازش نیز واجب است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، صص ۴۴۹ - ۴۴۱؛ خمینی، بی‌تا، صص ۵۰ - ۴۹)

علاوه بر این، میقات عمره تمتع یکی از مواقیع پنج‌گانه است: مسجد شجره (مخصوص کسانی که از مدینه به مکه می‌روند)، وادی عقیق (برای افرادی که از راه عراق و نجد می‌روند)، قرن‌المنازل (کسانی که از راه طائف می‌روند)، یلملم (کسانی که از راه یمن می‌روند)، جحفه (برای آنان که از شام به مکه می‌آیند). اما میقات عمره مفرده ادنی‌الحل<sup>۱</sup> است؛ ولی جایز است که یکی از مواقیع مذکور نیز باشد. (امام خمینی، بی‌تا: ص ۶۴)

لازم به ذکر است زن و مرد در شیوه انجام بسیاری از احکام حج مانند نیت، احرام، طواف و... مشترک هستند؛ لکن در برخی از کیفیت انجام واجبات، محرمات و مستحبات دارای تفاوت‌هایی هستند، یکی از آنها نحوه محرم‌شدن، طواف و... زنانی است که دچار عذر حیض یا نفاس هستند. این مسئله از آن رو مورد توجه است که طبق آمار اخیر ۵۲٪ شرکت‌کنندگان در حج را بانوان تشکیل می‌دهند؛ بنابراین بررسی احکام منحص به آنان در این عمل عبادی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. اولین مرحله از مناسک حج، محرم‌شدن از میقات‌های ذکر شده است که فقط وقوف

۱. نزدیک‌ترین مکان خارج حرم (مکه) به حرم مانند مسجد تنعیم و...

زنان دارای عذر «حیض و نفاس» در مسجد شجره ممنوع است. بنابراین چگونگی احرام زنان در شرایط مذکور، حائز اهمیت است؛ زیرا اولین عمل مناسک حج و عمره است و سختی عمل به حسب شیوه محرم شدن در حال عبور از مسجد در حال ازدحام جمعیت یا تجدید احرام از محاذی میقات جحفه، موجب اذیت روحی و جسمی و هراس از انجام این عمل عبادی در ابتدای امر می شود. بنابراین در این پژوهش سعی شده با بررسی نظرات فقهی مختلف فقها در مورد نذر زنان قبل از میقات، بیان شرایط نذر و... بر حل مسأله فقهی شمار بسیاری از حجاج که به طور خاص با مسئله حیض مواجه اند، اهتمام شود.

## مفاهیم تحقیق

### ۱. نذر

نذر آن است که انسان بر خود واجب کند که کار خیری را برای خدا به جا آورد و یا کاری که انجام ندادن آن بهتر است برای خدا ترک کند. (صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۴۰۸؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۴۵؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۱۱؛ خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۷)

### ۲. میقات

مرحوم سلطان العلماء در حاشیه شرح لمعه می نویسد:

«میقات اسم آلت است مانند مفتاح» و نیز فرموده است: «میقات اسم آن چیزی است که به وسیله آن، چیز دیگری معین می شود از جهت زمان و مکان.» (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۲۲)

طریحی در مجمع البحرین تا حدی همان معنا را اراده می کند و ذیل آیه شریفه:

«إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ كَانَ مِيقَاتَا» می نویسد:

«میقات، زمان معین برای انجام کاری است که مجازاً بر مکان اطلاق شده مانند: «مواقیت الحج» یعنی مکان های معین که احرام حج در آن منعقد می گردد.» (طریحی، بی تا، ج ۲، صص ۲۲۸-۲۲۷) و آیه شریفه: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» (بقره: ۱۸۹) بر زمان معین جهت انجام حج «تمتع، قران و افراد» دلالت دارد و همچنین کلمه «میقات» در آیات دیگر بر زمان معین دلالت

می‌کند که به تعبیر لسان‌العرب: «المیقات: مصدر الوقت. و الآخرة: میقات الخلق. و مواضع الإحرام: مواقیئ الحاج. و الهلال: میقات الشهر، و نحو ذلك كذلك».

(ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۰۸)

پس می‌توان نتیجه گرفت که میقات شامل اسم زمان و مکان است؛ یعنی زمان و مکان معین را دربرمی‌گیرد. و شاید بتوان گفت تعبیر صاحب جواهر در بحث مواقیث، تعبیر جالبی است؛ آنجا که می‌نویسد:

«المواقیث جمع میقات و المراد به هنا (فی الحج) حقیقه او توسعاً مکان الاحرام» (نجفی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۱۰۲) مراد از کلمه میقات در بحث حج - حقیقه یا مجازاً - اماکن خاص است.

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت که میقات بر دو قسم «زمانی» و «مکانی» است و آنچه در این مقاله از کلمه میقات مد نظر است، میقات مکانی است.

### ۳. معذور شرعی

مراد از معذور شرعی در این مقاله زن در حال حیض و نفاس است.

#### ۳-۱. خون حیض

حیض در لغت به معنای سیلان و جریان است. (سیوری حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۰؛ عاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۶۸) و در اصطلاح شرعی به اتفاق مذاهب اسلامی خونی است که غالباً هر ماه در اوقات مخصوصی از رحم زن بعد از سن بلوغ و قبل از سن یائسگی خارج می‌شود. این خون در غالب موارد سیاه غلیظ و گرم است و همراه با فشار و سوزش دفع می‌گردد (حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۱۵؛ حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۵۰؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۵؛ زیدان، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۰۵)

#### ۳-۲. نفاس

یکی دیگر از خون‌هایی که از رحم زن خارج می‌شود خون نفاس است و در اصطلاح شرعی خونی است که به سبب ولادت با خروج اولین جزء بیچه یا همه آن از

رحم دفع می‌شود و زن در این حال «نفساء» نامیده می‌شود و این نظر فقهای امامیه و برخی فرقه‌های اهل سنت مانند مالکیه و حنابله است. (نجفی، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ص ۳۷۵؛ عاملی، ۱۴۱۹ق: ج ۱، ص ۲۵۹؛ مغنیه، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۵۱) بنابراین خون قبل از ولادت نفاس نیست؛ هر چند طبق قول حنابله (ادریس البهوتی، بی تا: ج ۱، ص ۲۰۲) خون دو یا سه روز قبل از زایمان، با وجود نشانه‌هایی مانند درد و ... نفاس محسوب می‌شود.

#### ۴. احرام

احرام در لغت به معنای منع کردن (قیومی، ۱۴۱۸ق، ص ۷۲) و در اصطلاح فقهی به ورود در نماز و یا حج یا عمره گفته می‌شود که در این مقاله مراد «احرام حج و عمره» است. (انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۳۰۵)

#### شرایط صحت نذر زنان

برای انعقاد نذر زن، علاوه بر عقل، بلوغ، اسلام، قصد و اختیار، اذن و اجازه شوهر نیز لازم است و تنها در این صورت نذر او منعقد می‌شود و عمل و وفای به آن واجب و لازم است. از این رو زن بدون اذن شوهر نمی‌تواند اعمالی را بر خود به واسطه نذر واجب کند.

#### بیان اقوال

در نحوه اعتبار این اذن، عده‌ای از فقها همچون علامه حلی در تحریر الاحکام (حلی، ۱۴۲۰ق، ص ۵۱۵)، شهید ثانی در حاشیه ارشاد (عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۸۰) سبزواری در کفایة الاحکام (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۹۰) و امام خمینی علیه السلام در تحریر الوسیله (خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۸۸) معتقدند که نذر زن بدون اجازه همسر به طور مطلق صحیح و نافذ نمی‌باشد؛ زیرا این نذر منافی با حق شوهر باشد یا نباشد. در مقابل، عده‌ای به صحت نذر زن اگر با حق زوج منافات نداشته باشد، فتوا داده‌اند و به نظر ایشان نذر زن تنها در صورتی که با حق زوج منافات داشته باشد جایز نیست.

(اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۰۹؛ خوئی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۷۶؛ تبریزی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۴۰۶؛ سیستانی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۸۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۵۰).

قدر مسلم مسأله آنجایی است که نذر زن مزاحم حق همسر باشد که در اینجا نذر وی نافذ نیست و منعقد نمی‌شود.

## بیان دلائل

مستند فقهای بی که اذن شوهر را به طور مطلق برای انعقاد نذر زن لازم می‌دانند، صحیح‌ه عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام است که در این حدیث چنین آمده است:

«لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ أَمْرٌ مَعَ زَوْجِهَا فِي عَتَقٍ وَلَا صَدَقَةٍ وَلَا تَدْبِيرٍ وَلَا هَبَةٍ وَلَا نَذْرٍ فِي مَالِهَا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا إِلَّا فِي زَكَاةٍ أَوْ بِرٍّ وَالِدَيْهَا أَوْ صِلَةِ قَرَابَتِهَا». (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۳، ص ۳۱۵)

«زن نمی‌تواند بدون اذن شوهر برده آزاد کند یا صدقه دهد، یا چیزی ببخشد، یا نذر مالی کند، اما زکات واجب و صلّه رحم و احسان نیاز به اجازه ندارد.»

به این بیان که ذکر مال در عبارت «لَا نَذْرٌ فِي مَالِهَا» به لحاظ تعابیر «صدقه»، «هبه»، «تدبیر» (نوعی عتق) است؛ زیرا عرف، خصوصیتی برای ذکر مال «نسبت به نذر زن» قائل نیست و دخالت داشتن مال را به گونه‌ای که نذر زن بدون اذن همسرش در مال صحیح نباشد احتمال نمی‌دهد. (کابلی، بی تا، ج ۸، ص ۲۶۶)

بنابراین مطابق روایت برای انعقاد نذر زن، اذن و اجازه شوهر لازم است و عبارت «لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ أَمْرٌ مَعَ زَوْجِهَا» بر نفی امر زن بدون اذن شوهر دلالت دارد و در نهایت به دلیل سیره قطعیه‌ای که میان مردم جاری است از این ظهور، نسبت به برخی امور مانند صدقه، بخشش از اموالش و... دست برمی‌داریم؛ زیرا اگر بدون اذن همسر این امور جایز نبود مسأله بین مردم شیوع پیدا می‌کرد و مشهور می‌شد به جهت اینکه این مسأله مورد ابتلا تمام سرزمین‌هاست.

اما در مورد نذر به ظاهر روایت ملتزم شده و امر در آن، بر وجوب و لزوم اذن همسر در نذر زن حمل می‌شود.

از این رو با توجه به دلایل ذکر شده روایت، متضمن هر دو حکم الزامی و اخلاقی نیست؛ بلکه متضمن یک حکم واحد است که آن حکم، عدم صحت اعمال مذکور در روایت برای زن، بدون اذن است و این حکم واحد به دلیل انحلال افراد موضوعش در خارج منحل می‌شود و اشکالی نیست که اطلاق حکم به دلیل وجود قرینه «سیره قطعیه» نسبت به برخی افراد «هبه، تدبیر و...» مقید شود. (کابلی، بی‌تا، صص ۲۶۷-۲۶۶)

گروهی نیز استدلال به این روایت را صحیح نمی‌دانند و بر آن اشکالاتی مبنی بر اینکه روایت اخص از ادعای این افراد است وارد می‌کنند؛ زیرا مورد آن عدم انعقاد نذر در مال، بدون اذن زوج است پس فقط امور مالی را در برمی‌گیرد و شامل امور غیر مالی مانند عبادت و... نمی‌شود و سرایت حکم به نذر در غیر اموال از قیاسی است که شیعه به آن معتقد نیست. (خوئی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۷۵؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۶) از سوی دیگر، مجالی برای ادعای اینکه خصوصیتی برای مال نیست وجود ندارد؛ بعد از اینکه احتمال دارد تصرف مالی برایش خصوصیتی باشد از جهت اینکه عدم توقف نذر در مال بدون اذن همسر مستلزم خروج مال از دست زن به واسطه نذر است بدون الثفات و توجه به نیاز به آن؛ زیرا او از مسائل اقتصادی دور است. بنابراین برای مال خصوصیت وجود دارد و نمی‌توان از آن الغای خصوصیت کرد. (موحدی لنگرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۴۳)

به علاوه نمی‌توان با توجه به ظاهر روایت امر را بر وجوب حمل نمود؛ با این بیان که نهی موجود در روایت، دلیل بر شرطیت اذن است؛ زیرا بقیه امور «هبه و صدقه» ذکر شده در حدیث مذکور، متوقف بر اذن نیست و هیچ یک از فقها به اعتبار اذن زوج در صحت این تصرفات قائل نشده است. بنابراین بر حکم اخلاقی و ادب و احترام نسبت به همسر حمل می‌شود و از آن رو که همه امور ذکر شده در روایت، مصادیق برای صغرای قضیه‌ای هستند که کبرای آن واضح و روشن است «لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ أَمْرٌ مَعَ زَوْجِهَا» و جملات متعددی در روایت نیست تا گفته شود دربرگرفتن نص بر اموری که احدی قائل به وجوب و اعتبار اذن زوج در آن نیست باعث سقوط بقیه موارد از صحبت نمی‌شود؛ بنابراین از آن جهت که همه، صغرای یک کبری هستند



نمی‌توان به اطلاق آن تمسک کرد؛ زیرا احدی از فقها به آن (وجوب اذن زوج در هبه، صدقه و...) قائل نشده است. (خوئی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۷۶)

بنابر آنچه گفته شد عده‌ای معتقدند به این روایت نمی‌توان برای اثبات اذن تمسک جست و دلیل اعتبار اذن همسر را الحاق نذر به باب قسم می‌دانند؛ زیرا که اطلاق قسم بر نذر در روایات رواج دارد - به خصوص وقتی قسم مقید به قصد قربت شده باشد - بر نذر حمل می‌شود؛ چون بنابر اجماع، (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۵، ص ۳۵۸) قسم مشروط به قصد قربت نیست. بنابراین حمل قسم بر نذر - خواه از باب حقیقت باشد یا مجاز - دو معتبره دال بر آن است.

در یکی از دو روایت (معتبره) آمده که منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَا يَمِينٌ لِلْوَالِدِ مَعَ وَالِدِهِ وَلَا لِلْمَرْأَةِ مَعَ زَوْجِهَا...». (عاملی، ۱۴۰۹ق، صص ۲۱۸-۲۱۷)

«نه قسم فرزند با وجود پدرش (بدون اجازه پدرش) منعقد می‌شود... و نه قسم زن با وجود شوهرش (شوهردار بودن) ...»

اگرچه لفظ قسم در روایت آمده است اما بر نذر نیز حمل می‌شود؛ به خصوص وقتی در مثل روایت حلبی از امام صادق علیه السلام با عبارت «یمین لا یراد وجه الله عزوجل فلیس...» (همان، ص ۲۳۰) مقید بر قصد قربت شده است.

علاوه بر آن یکسان بودن دلیل اشتراط اذن شوهر در نذر و قسم نیز مؤید دیگری بر استفاده از روایات باب قسم برای نذر می‌باشد؛ (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۵، ص ۳۶۰؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۳۱۰) به این بیان که اطاعت زوج بر زن واجب است. بنابراین در هر دو (نذر و قسم) باید رعایت شود؛ یعنی زن نباید اموری که مانع رعایت حق استمتاع و تمکین شوهر است با نذر یا قسم بر خود واجب کند (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۵۲؛ طباطبایی یزدی<sup>۱</sup>، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۳۴۴) و چه بسا حکمت این شرط نیز همین باشد از سویی هر دو التزام برای خداوند است و در بیشتر احکام مشابه هستند.

۱. آیات عظام خمینی، خوئی، گلپایگانی و مکارم شیرازی.

اما برخی مانند فیض کاشانی در *مفاتیح الشرایع* (فیض کاشانی، بی تا، ج ۲، ص ۳۱) و مجاهد طباطبایی در *المناهل* (مجاهد طباطبایی، بی تا: ص ۵۹۶) معتقدند مشروط کردن نذر زن به اذن زوج دلیلی ندارد؛ چرا که نذر با قسم متفاوت است و نمی توان از روایات باب قسم استفاده کرد و مقید نبودن نذر به اذن شوهر، موافق احتیاط است؛ اما صاحب *حلائق* (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۴، ص ۱۹۸) و صاحب کتاب *مصباح الهمدی* (آملی، ۱۳۸۰ش، ج ۱۲، ص ۱۲۹) پاسخ می دهند که با استناد به همین روایات باب قسم، نذر عبد (مملوک) و فرزند منوط به اذن مولی و پدر شده است. پس برای زن نیز این حکم جاری است و در نهایت - با توجه به آنچه ذکر شد - می توان چنین گفت که در صورت الحاق نذر به قسم اگر روایت وارده در باب قسم (منع از انعقاد قسم زن با عدم اذن زوج) نفس قسم و انشای التزام را دربرگیرد؛ نذر به طور مطلق جایز نیست اما اگر معارضه و منع به متعلق قسم برگردد لازمه این حرف، انحصار مورد روایت در جایی است که نذر و قسم منافی حقوق زوج باشد. (لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۴۴)

### کیفیت محرم شدن حائض و نفساء

به هر جهت، ثمره این بحث (نذر زن) در احرام حائض و نفساء از میقات مدینه می باشد از آن جهت که در زمینه میقات اهل مدینه دو نظر مطرح شده است. برخی همچون شهید اول در *دروس* (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۴۰)، حمزه بن علی حسینی در *غنیة النزوع* (حسینی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۴)، طباطبایی در *عروة الوثقی* (طباطبایی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۴۳۷)، خویی در *موسوعه* (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷، ص ۲۶۱)، موسوی گلپایگانی در کتاب *الحج* (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۸۳) کل منطقه ذوالحلیفه را که مسجد شجره نیز جزئی از آن است ذکر کرده و مُحرم شدن از مسجد شجره را مستحب می دانند؛ اما برخی فقها (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۱۰؛ حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۱۵۹؛ طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۱۳؛ امام خمینی، بی تا، ص ۶۷؛ بهجت، ۱۴۲۴ق، صص ۹۹ - ۸۳) مسجد شجره را به عنوان محل احرام بستن افرادی که در مدینه هستند یا از آن عبور می کنند، بیان نمودند. به هر حال، حائض و نفساء اگر نمی توانند تا پاکی و داخل شدن به مسجد صبر کنند باید

در حال عبوری (از یک درب وارد و از درب دیگر خارج شود) از مسجد شجره، محرم شوند. (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۴۴۳؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۷، ص ۲۱۹؛ وجدانی فخر، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۲۱۰؛ تبریزی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۸۰؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۱، ص ۵۷) و بنا بر نظر به میقات بودن مسجد شجره، در صورت ازدحام و عدم امکان عبور بدون توقف، برخی (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۸۳؛ خامنه‌ای، ۱۴۲۶، ص ۵۰) قائل به تأخیر احرام تا جحفه (میقات بعدی) هستند. بعضی فقها مانند صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۱۰۹) علوی عاملی در مناهج الاخیار (علوی عاملی، بی تا، ج ۳، ص ۳۳۲) نجفی در *قلائد الدرر* (نجفی، ۱۳۶۷، ص ۱۶) کاشف الغطا در *انوار الفقاهه حج* (نجفی ۱۴۲۲، ص ۸۶) مرحوم فاضل در *مناسک الحج* (فاضل لنکرانی، بی تا، ص ۵۰) معتقدند در خارج مسجد احرام ببندد و عده‌ای دیگر (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۸۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۲۵۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۲؛ بهجت، ۱۴۲۴، ص ۸۳؛ تبریزی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۸۰) نیز بنا بر احتیاط، به جمع بین هر دو، به مفهوم احرام در خارج مسجد و تجدید آن در جحفه فتوا داده‌اند.

## بیان دلایل

مستند کسانی که به تأخیر احرام تا جحفه فتوا داده‌اند روایاتی است که در آن تأخیر انداختن احرام تا میقات بعد (جحفه) برای معذورین اجازه داده شده است.

در حسنه ابی بکر حضرمی از قول امام صادق علیه السلام آمده است:

«قَدْ رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ ضَعِيفًا أَنْ يُحْرِمَ مِنَ الْجُحْفَةِ»

پیامبر به افراد مریض و ضعیف اجازه داد تا در سرزمین جحفه محرم شوند. (عاملی،

۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۳۱۷)

خبر دیگر، صحیحه صفوان بن یحیی از امام رضا علیه السلام است که فرمود:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَقَّتَ الْمَوَاقِيتَ لِأَهْلِهَا وَمَنْ أَتَى عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا وَفِيهَا رُخْصَةٌ لِمَنْ كَانَتْ بِهِ عِلَّةٌ فَلَا تُجَاوِزُ الْمِيقَاتَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ».

«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله میقات‌ها را برای اهالی هر سرزمینی و کسانی که از این سرزمین

راهی مکه می‌شوند، تعیین کرد و فرمود: از میقات‌ها تجاوز نکنند مگر به دلیل و علتی...» (همان، ص ۳۳۲؛ اصفهانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۲۹۱).

به وسیله روایات مذکور، افراد مریض و ضعیف از احرام بستن از مسجد شجره استثنا شده‌اند. طبق نظر مرحوم نراقی، بیان حالت ضرورت برای مریضی و ضعف در اخبار بیان‌کننده علت تأخیر تا جحفه، موجب تخصیص موارد استثنا به این دو نمی‌شود؛ بلکه برای مثال، مریضی و ضعف نه به دلیل انحصار در این دو حالت ذکر گردیده است. بنابراین حیض و نفاس نیز از جمله‌ی آن است؛ زیرا علت که همان ناتوانی در مُحرم شدن است در همه اینها مشترک است و نمی‌توان تفاوتی برایشان بیان نمود. (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، صص ۱۸۳ - ۱۸۱)

در مقابل، عده‌ای از فقها بر چنین استدلالی خدشه وارد کرده و عذر بودن حیض را به عنوان ضرورتی که مجوز تأخیر احرام از میقات شجره تا جحفه باشد نمی‌پذیرند. به نظر این گروه، حتی در فرض پذیرش عدم اکتفا به مریضی و ضعف و به عبارتی محصور ندانستن علت در این موارد، روایت تنها مشمول مواردی می‌شود که مانع استمرار احرام از میقات قبل تا میقات بعد شود؛ مانند عدم تحمل سرما و گرما، تقیه و اما مانع بودن حیض تنها به لحاظ انشا و ایجاد احرام نه استمرار آن است. (نجفی، ۱۴۲۲ق، ص ۸۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۲۵۹؛ موحدی لنگرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۴)

از سوی دیگر ایشان برای اثبات مدعای خود به عموم نصوصی (مَنْ تَمَّامَ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ أَنْ تُحْرِمَ مِنَ الْمَوَاقِيتِ الَّتِي وَقَّعَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَلَا تُجَاوِزُهَا إِلَّا وَأَنْتَ مُحْرِمٌ...) (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، صص ۳۱۰-۳۰۸) تمسک کرده‌اند که از تجاوز و گذشتن از میقات بدون احرام، نهی کرده است. پس به مقتضای این روایات وقتی احرام در مسجد ممکن نباشد باید در خارج مسجد که نزدیک‌ترین مکان به آن است محرم شد. در حقیقت این فقها با تمسک به قاعده «المسیر لا یسقط بالمعسور» (روحانی قمی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۹۲) قسمتی از واجب که ممکن است به واسطه سختی و... ساقط نمی‌شود به التزام و وجوب احرام در خارج از مسجد فتوا داده‌اند. (آملی، ۱۳۸۰ش، ج ۱۲، ص ۳۹۴؛ نجفی، ۱۴۲۲ق، ص ۸۷) دلیل دیگری که مؤید بر عدم تأخیر احرام حائض تا جحفه می‌باشد قضیه اسماء بنت عمیس است.

در صحیحہ معاویہ بن عمار از قول امام صادق علیه السلام در بیان قضیہ اسماء چنین آمده است:  
 «إِنَّ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ نَفَسَتْ بِمُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ بِالْبَيْدَاءِ»<sup>۱</sup> (اصفہانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۵۰۴)

«فَأَمْرَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَاعْتَسَلَتْ وَاحْتَشَّتْ وَأَحْرَمَتْ وَلَبَّتْ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ وَأَصْحَابِهِ...» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸۰؛ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۴۰۱)  
 «در سرزمین بیداء محمد بن ابی بکر از اسما متولد شد (اسماء نفسا شد) پس پیامبر ﷺ به او دستور داد غسل کند و تحفظ نماید و محرم شود و با پیامبر و اصحابش تلبیه بگوید.»

بیان همراهی اسما با پیامبر ﷺ و اصحابش در امر احرام و گفتن تلبیه، نشان از انجام احرام وی در میقات مدینه و عدم تأخیر آن تا میقات بعد، یعنی جحفه است. (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷، ص ۲۷۲؛ موحدی لنگرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۵) با استناد به این دلایل حائض و نفساء در صورت ازدحام جمعیت و عدم امکان عبور بدون توقف باید در خارج از مسجد محرم شوند.

با توجه به اینکه برخی از فقها مانند شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۸۶)، محقق حلی (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۰۷)، بحرانی (بحرانی بی تا، ص ۵)، آیت الله بهجت (بهجت، ۱۴۲۴ق، صص ۲۰۲-۸۳) و آیت الله خامنه‌ای (خامنه‌ای، ۱۴۲۶ق، ص ۵۰) قائل به صحت احرام قبل از میقات به واسطه نذر هستند، برای حل مشکل حائض و نفساء آنها نیز می‌توانند مُحرم شدن از مکان معینی قبل از میقات را نذر نمایند، لکن باید شرایط نذر همچون اذن شوهر را (که تفصیل آن گذشت) مدنظر قرار دهند. دلیل بر این مطلب روایاتی (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، صص ۳۲۷-۳۲۶) در این مسئله است. البته بعضی دیگر از فقها (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۲۷؛ حسینی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۵؛ حدّاء، بی تا؛ ص ۸۸؛ شیرازی زنجانی، ۱۴۲۱ق، ص ۵۶) به طور کلی احرام قبل از میقات را صحیح ندانسته و معتقدند در این صورت تعیین مواقیت لغو خواهد بود و مفهومی برای آنها نیست. لکن علامه حلی در منتهی (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰،

۱. سرزمین نزدیک مسجد شجره است.

صص ۱۸۱-۱۸۰) پاسخ می‌دهد که ثمره معین شدن محل این است که فرد نذر نکرده بدون احرام از میقات‌ها عبور نکند. بنابراین محرم شدن قبل از رسیدن به محل‌های معین شده با شرایطی که ذکر شد به میقات بودن آنها خللی وارد نمی‌کند؛ اما در میان این دو نظر، جمع بین احرام از محل نذر (که قبل از میقات است) و تجدید آن از میقات نیز بیان شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۱۷۵؛ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۹۳)

پس از بررسی اقوال و دلایل مطرح شده از سوی فقها بدست می‌آید که طریق احسن نه واجب این است که زن قبل از میقات با نذر محرم شود و اولین عمل مناسک حج را به آسانی و بدون دغدغه سپری کند.

برای اثبات این قول می‌توان به روایاتی چون صحیح‌ه حلبی (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۳۶) و مؤثقه‌أبی بصیر (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۲۷) استناد کرد.

در صحیح‌ه حلبی آمده است:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ شُكْرًا أَنْ يُحْرِمَ مِنَ الْكُوفَةِ قَالَ فَلْيُحْرِمَ مِنَ الْكُوفَةِ وَ لَيْفَ اللَّهِ بِمَا قَالَ»؛ «از امام صادق عليه السلام درباره‌ی وظیفه‌ی شخصی که خداوند به او لطفی کرده و او نذر نموده که از کوفه محرم شود پرسیدم؟ امام عليه السلام فرمودند: باید از کوفه محرم شود و به نذری که بسته وفا کند» و مؤثقه‌أبی بصیر چنین است: «لَوْ أَنَّ عَبْدًا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً أَوْ ابْتَلَاهُ بِبَلِيَّةٍ فَعَفَاهُ مِنْ تِلْكَ الْبَلِيَّةِ فَجَعَلَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يُحْرِمَ بِخُرَاسَانَ كَانَ عَلَيْهِ أَنْ يُتِمَّ»؛ «اگر کسی به جهت شکرگزاری نعمتی که خدا به او داده یا بلایی که از وی برگردانده نذر کند که از خراسان محرم شود باید این کار را انجام دهد.»

روشن است که خراسان یا کوفه خصوصیتی ندارد؛ زیرا متعارف بوده است مردم کوفه و خراسان به میقات می‌رفته‌اند و امام به طور مطلق نذر قبل از میقات را اجازه فرمودند. بنابراین روایات، دال بر این مطلب است که احرام با نذر قبل میقات مانعی ندارد و از آنجا که عادتاً این نذر با حقوق شوهر منافاتی ندارد به جهت اینکه کمی قبل از میقات انجام می‌شود، زنان به راحتی می‌توانند محرم شوند و عمل عبادی خویش را به سهولت انجام دهند.

۱. آملی، محمدتقی (۱۳۸۰ش)، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، ج ۱۲، تهران، مؤلف، چاپ اول.
۲. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، (احمد فارس)، ج ۲، بیروت، دارالفکر الطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم.
۳. ادريس البهوتی، منصوربن یونس (بی تا)، کشف القناع عن متن الاقناع، ج ۱، بی جا، دارالکتب العلمیه.
۴. اردبیلی، احمدبن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الازهان، (حسین یزدی)، ج ۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ اول.
۵. اصفهانی، محمدتقی (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، (حسین موسوی کرمانی)، ج ۴، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، چاپ دوم.
۶. انصاری، محمدعلی (۱۴۱۵ق)، الموسوعة الفقهیه المیسرة، ج ۱، بهشهر، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ اول.
۷. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۱۴، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
۸. بحرانی، یوسف (بی تا)، مناسک الحج، بی جا، بی نا.
۹. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۴ق)، مناسک حج و عمره، قم، انتشارات شفق، چاپ سوم.
۱۰. تبریزی، جواد (۱۴۲۳ق)، التهذیب فی مناسک العمرة و الحج، ج ۲، قم، دارالتفسیر، چاپ اول.
۱۱. تبریزی، جوادبن علی (۱۴۲۶ق)، منهاج الصالحین، ج ۲، قم، مجمع الامام المهدي، چاپ اول.
۱۲. حذاء، حسن بن علی (بی تا)، مجموعه فتاواى ابن ابى عقيل، (علی پناه اشتهااردی)، قم، بی نا، چاپ اول.
۱۳. حسینی، حمزة بن علی (۱۴۱۷ق)، غنية النزوع إلى علمی الاصول و الفروع، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.

۱۴. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق)، المعتمد فی شرح المختصر، ج ۲، قم، مؤسسه سیدالشهدا علیه السلام، چاپ اول.
۱۵. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۳، مؤسسه اسماعیلیان.
۱۶. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق)، منتهی المذهب فی تحقیق المذهب، ج ۱۰، بخش فقه در جامعه پژوهش های اسلامی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
۱۷. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء، ج ۶، قم، مؤسسه آل البيت.
۱۸. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ق)، نهاية الاحکام فی معرفة الاحکام، ج ۱، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
۱۹. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه، (ابراهیم بهادری و دیگران)، ج ۱، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۲۰. حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۲۱. خامنه ای، سید علی (۱۴۲۶ق)، مناسک الحج، چاپ اول، قم، نشر مشعر.
۲۲. خمینی، روح الله (بی تا)، تحریر الوسیله، ج ۱، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول.
۲۳. خمینی، روح الله (بی تا)، مناسک حج، بی جا، بی تا.
۲۴. خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۶ق)، معتمد العروة الوثقی، (رضا موسوی خلخالی)، ج ۱، قم، منشورات مدرسه دارالعلم - لطفی، چاپ دوم.
۲۵. خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الامام الخوئی، (پژوهشگران مؤسسه احیاء آثار آیت الله خوئی)، ج ۲۷، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی علیه السلام، چاپ اول.
۲۶. روحانی قمی، محمد حسین (بی تا)، القواعد الفقهیه (منتهی الاصول)، (محسن طباطبایی)، ج ۵، قم، چاپخانه امیر، چاپ اول.
۲۷. زیدان، عبدالکریم (۱۴۱۳ق)، المفصل فی احکام المرأة، ج ۱، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ اول.
۲۸. سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، (مؤسسه المنار)، ج ۱۲، قم، مؤسسه المنار، چاپ اول.



۲۹. سبزواری، عبدالاعلی (بی تا)، جامع الاحکام الشرعیه، قم، مؤسسه المنار، چاپ نهم.
۳۰. سبزواری، محمدباقر (۱۴۱۳ق)، کفایة الاحکام، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ اول.
۳۱. سیستانی، علی حسینی (۱۴۲۲ق)، المسائل المنتخبه، قم، دفتر معظم له، چاپ نهم.
۳۲. شبیری زنجانی، موسی (۱۴۲۱ق)، مناسک الحج، قم، مؤسسه الولاء للدراسات، چاپ اول.
۳۳. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۳۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، (گروه پژوهش مؤسسه معارف)، ج ۱۱، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
۳۵. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۳ق)، فقه الحج، ج ۲، قم، مؤسسه حضرت معصومه، چاپ دوم.
۳۶. صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، ج ۲ و ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۳۷. صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۵ق)، مقنعه، قم، گروه پژوهش مؤسسه امام هادی.
۳۸. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۲۸ق)، العروة الوثقی مع التعليقات، (آیات عظام امام خمینی، خوئی، گلپایگانی، مکارم شیرازی)، ج ۲، قم، انتشارات مدرسه امام علی (ع)، چاپ اول.
۳۹. طباطبایی، علی بن محمد (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالادلل، (محمد بهره مند و دیگران)، ج ۶، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
۴۰. طباطبایی، محسن (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۱، قم، مؤسسه دارالتفسیر، چاپ اول.
۴۱. طرابلسی، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، المذهب، (جمعی از محققان و مصححان تحت اشراف جعفر سبحانی)، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ اول.

۴۲. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، (احمد حسینی)، ج ۲، تهرآن: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
۴۳. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ دوم.
۴۴. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، (علی خراسانی و دیگران)، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ اول.
۴۵. عاملی، زین الدین (۱۴۱۰ق)، الروضه البهیة فی شرح اللمعة، ج ۲، کتابفروشی داوری، چاپ اول.
۴۶. عاملی، زین الدین (۱۴۱۴ق)، حاشیه الارشاد، (رضا مختاری)، ج ۱، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۴۷. عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل المسائل الشریعة، (گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی)، ج ۱، ۱۱، ۱۲، ۱۴ و ۲۳، قم، مؤسسه آل البیت (ع)، چاپ اول.
۴۸. علوی عاملی، احمد (بی تا)، مناهج الاخیار، ج ۳، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.
۴۹. فیاض کابلی، محمد اسحاق (بی تا)، تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی، قم، انتشارات محلاتی، چاپ اول.
۵۰. فیض کاشانی، محمد محسن (بی تا)، مفاتیح الشرایع، ج ۲، قم، انتشارات کتابخانه مرعشی، چاپ اول.
۵۱. مجاهد طباطبایی، محمد (بی تا)، کتاب المناهل، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶ق)، احکام النساء، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، چاپ اول.
۵۳. موحدی لنکرانی، محمد فاضل (۱۴۱۸ق)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، الحج، ج ۱ و ۳، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم.
۵۴. موسوی عاملی، محمدبن علی (۱۴۱۱ق)، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، ج ۷، بیروت، مؤسسه آل البیت (ع)، چاپ اول.
۵۵. موسوی گلپایگانی، محمد رضا (۱۴۰۳ق)، کتاب الحج، (احمد صابری همدانی)، ج ۲، قم، دارالقرآن الکریم، چاپ اول.

۵۶. موسوی گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۱۳ق)، هداية العباد، (على ثابتی همدانی و على نیری همدانی)، ج ۲، قم، دارالقرآن الکریم، چاپ اول.
۵۷. نجفی، احمد بن علی (۱۳۶۷ق)، قلائد الدرر فی مناسک من حج و اعتمر، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ اول.
۵۸. نجفی، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ق)، انوار الفقاهه (حج)، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ اول.
۵۹. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، (عباس قوچانی، علی آخوندی)، ج ۱۷، ۱۸، ۲۰ و ۳۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۶۰. نراقی، احمد بن محمد (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۱۱، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
۶۱. وجدانی فخر، قدرت الله (۱۴۲۶ق)، الجواهر الفخریه فی شرح روضة البهیة، ج ۴، قم، انتشارات سما، چاپ دوم.
۶۲. وزارة اوقاف و شئون الاسلامیه (۱۴۰۴ق)، الموسوعیه الفقهیة الكويتیه، ج ۱۷، کویت، بی نا.